

# نگاهی به یادگیری مشارکتی و ویژگی های آنها

شهرلا بهاروند<sup>1</sup>

1- دبیر زیست شناسی، مدرسه شاهد شقایق، اندیمشک، خوزستان، ایران

## چکیده

یادگیری مشارکتی زمینه مشارکت افراد در جریان یادگیری را فعال می نماید و آنها را از حالت شنونده صرف خارج می سازد که به همین علت این نوع یادگیری را در زمره یادگیری فعال قرار می دهند و همواره باید ویژگی ها و فرضهای آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا به شناخت درستی از این نوع یادگیری و کاربرد آن برسیم. با توجه به مطالب ذکر شده در نوشتار علمی مروری حاضر و به شیوه کتابخانه ای با بهره گیری از منابع نگاشته شده در این زمینه ، مسئله یادگیری مشارکتی در حد توان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نتیجه بررسی ها نشان می دهد که یادگیری مشارکتی نقش مهمی در جلب مشارکت افراد در امر یادگیری دارد . همچنین یادگیری مشارکتی باید دارای هدفهای روشن و قابل دسترسی باشد و همهی اعضای گروه بدانند که باید برای رسیدن به آن بکوشند.

کلمات کلیدی: یادگیری ، یادگیری مشارکتی ، دانش آموزان

## مقدمه

یادگیری تغییری نسبتاً پایدار در رفتار افراد است که در نتیجه‌ی کسب تجربه وجود می‌آید. در واقع، فرایند یادگیری به معنای کسب اطلاعات، دانش و مهارت است. به طور معمول، همه‌ی ما هنگام فکر کردن به یادگیری، تمرکز خود را به آموزش‌های رسمی‌ای معطوف می‌کنیم که در دوران کودکی و اوایل بزرگسالی دریافت کرده‌ایم. در حالی که مراحل یادگیری به صورت مداوم در طول زندگی‌مان اتفاق می‌افتد و تنها به کلاس درس محدود نمی‌شود (اسلاوین، 2009).

فرایند یادگیری زمانی شروع می‌شود که تجربه جدیدی را به دست آوریم. این تجربه‌ی جدید می‌تواند خواندن یک کلمه جدید، گوش دادن به توضیح مفهومی جدید یا امتحان روشی جدید برای حل یک مشکل باشد. یادگیری می‌تواند شامل رفتارهای مفید و حتی منفی باشد. یادگیری بخشی طبیعی و مداوم از زندگی است که هم در مورد یادگیری رفتارهای بهتر و هم برای یادگیری برخی رفتارهای بد، به طور مداوم اتفاق می‌افتد. در حالت کلی، یادگیری اغلب اوقات به معنای افزایش دانش و برخورداری از زندگی بهتر است. در مواردی هم شامل رفتارهایی می‌شود که برای سلامتی و تندرستی مضرند (عبدی، عبدالهی، 1399).

در سالهای اخیر حجم زیادی از پژوهش‌های آموزشی و روانشناسی متمرکز بر نقش یادگیرندگان و تأثیر آموزش و فرایندهای شناختی مؤثر بر یادگیری بوده است. بدیهی است بدون شناخت کافی از فراگیر و فرایندهای شناختی وی که به یادگیری منجر می‌شوند، یادگیری رخ نخواهد داد و در طی سالها روانشناسان شناختی سعی نموده‌اند تا نقش فراگیران و واکنشهایی که در فرایند یادگیری برای وی اتفاق می‌افتد را شناخته و توضیح دهند. علاوه بر این یادگیری انواع مختلفی و از جهات مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (مهدوی نسب، علی آبادی، 1393). از جمله این یادگیری هاف یادگیری مشارکتی می‌باشد که در نوشتار علمی مروری حاضر به دنبال بررسی این نوع یادگیری می‌باشیم.

## یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی که در شروع قرن بیستم از طرف جان دیویی مطرح شد (الیس و والن، 1990) در چند سال اخیر از بحثهای دائمی آموزش شده است. در دهه 1980 تحقیقات دامنه داری در این زمینه به عمل آمده است (راجر جانسون و دیوید جانسون در دانشگاه مینه سوتا و رابرت اسلادین در دانشگاه جان هاپکینز معلمین دراکتر کشورهای در تمام گروههای سنی از دبستان تا دانشگاه و آموزش بزرگسالان از این روش بهره می‌جویند. یادگیری مشارکتی

برای انجام دادن انواع فعالیتهای و تکالیف تحصیلی در یادگیری درسهای مختلف گرفته تا انجام پروژههای تحقیق مورد استفاده قرار می گیرد (وانگ، 2005).

این روش مخالف روش رقابت فردی است و در آن یادگیرندگان در گروههای کوچک با هم و به کمک هم به یادگیری می پردازند. بنابه گفته راجر جانسون و دیوید جانسون (1987) در روش یادگیری مشارکتی دانش آموزان و دانشجویمان "یا با هم شناسی کنند یا با هم غرق می شوند". در یادگیری مشارکتی در گروه هیچ فردی به اعضا دستور نمی دهد اعضا با بررسی جمعی تصمیم میگیرند چه کاری انجام دهند گروه مسئولیت جمعی دارد (فلاحی و همکاران، 1396).

از آنجایی که اعضای گروه پس از ارائه سوالات به آنان باید در مورد بهترین پاسخ به توافق برسند شرکت کنندگان این فرصت را پیدا می کنند تا اطلاعات را رد و بدل کنند، دلایلشان را توضیح دهند، دلایل و شواهد دیگران را ارزیابی نمایند و برای ارزیابی گفتهها بر له یا علیه هر مطلب از منطق استفاده کنند. در مرحلهی بعد در جلسهی عمومی پاسخهای گروه نمره گذاری میشود و هر عضوی می تواند کار فردی خود را ارزیابی کند. مواردی پیش می آید که یک عضو جواب صحیح را ارائه می دهد ولی قادر نیست که توافق گروه را برای آن جواب جلب کند در این صورت در زمان ارزشیابی از کار گروهی، بحثهای جالبی در میگیرد و گروه به این مسئله می پردازد که چرا وقتی پاسخ صحیح پیشنهاد شده است در مورد آن به توافق نرسیدند ( خاکباز ، 1396).

دو فرضیه اساسی در کارایی گروهی وجود دارد اول اینکه نتیجه دو فکر یا بیشتر، از یک فکر بهتر و موثرتر است. هر شخص می تواند آنچه را می داند برای دیگری توضیح دهد و همه می توانند از یکدیگر فرا گیرند. دوم آنکه برای فراگیران حداقل آنهایی که بین 10 سالگی تا میانسالی هستند شرکت فعال در یادگیری مشارکتی انگیزاننده است و انگیزه بر یادگیری اثر مثبت دارد (اسویت و اسوینکی، 2007).

جهت آمادگی برای اجرای طرح ، مدیر یادگیری ابزار یادگیری یعنی فعالیتهای یادگیری را در متن خواندنی ، یا یک فعالیت سمعی و معمولا آزمونی آماده میکند فراگیران باید به گروههای مساوی تقسیم شوند مثلا کلاس 35 نفری به 7 گروه 5 نفره تقسیم میشود سپس مدیر یادگیری چگونگی فعالیت یادگیری طرح ریزی شده را توضیح می دهد ( کاستل، 2014).

همانطور که گفته شد این فعالیت ممکن است به روشهای گوناگون تهیه شود. مثلا می تواند نمایش یک فیلم آموزشی مربوط به موضوع درس، مطالعه بخش معین از کتاب دانش آموزان و یا منابع دیگر ، یک فعالیت آزمایشگاهی مربوط به مفاهیم درس و یا ممکن است یک مسئله باشد . مسئله طرح شده می تواند مسئله ای اجتماعی ، جغرافیایی ، زیست شناختی و یا ریاضی باشد. فراگیران فعالیتهای فوق را به تنهایی انجام می دهند به این ترتیب فراگیران آمادگی لازم برای پاسخ دادن به آزمون تهیه شده را کسب می کنند و آن را به تنهایی پاسخ می دهند ( هرمن ، 2013).

فراگیران آماده می شوند تا موضوع درس را در گروههای یادگیری به بحث بگذارند. اولین کار در گروه یادگیری این است که اعضای گروه پاسخها را به بحث بگذارند تا به پاسخهای مشترکی که مورد توافق همه اعضای گروه باشد

برسند در این موقع فردی که به نمایندگی گروه انتخاب شده پاسخ مشترک مورد توافق را در مورد سوالات خاص گروه ارائه می‌دهد یعنی در مدت کوتاهی پاسخهای چند گروه در مورد سوالات مختلف مورد تجزیه و تحلیل و ارزشیابی کلاس قرار می‌گیرد. البته باید یاد آور شد که نماینده هر گروه یعنی فردی که در جلسه عمومی پاسخهای گروه را ارائه می‌دهد در هر جلسه عوض میشود تا همه در ارائه پاسخهای توافقی مشارکت داشته باشند ( رحیمی و همکاران، 1401).

## 2-15 ویژگیهای روش یادگیری مشارکتی

### 2-15-1 تشکیل گروههای کوچک نامتجانس

یادگیری مشارکتی معمولاً از گروههایی تشکیل می‌شود که از جهات مختلف توانایی یادگیری، میزان پیشرفت و غیره نامتجانس هستند.

### 2-15-2 داشتن هدفهای روشن

یادگیری مشارکتی باید دارای هدفهای روشن و قابل دسترسی باشد و تمامی اعضای گروه بدانند که باید برای رسیدن به آن بکوشند.

### 2-15-3 وابسته بودن اعضای گروه به یکدیگر

راجر جانسون و دیوید جانسون ( 1987 ) و اسلاوین ( 1990 ) می‌گویند که وقتی موفقیت دانش آموزان به کمک و مشارکت سایر اعضای گروه وابسته است بیشتر بصورت مشارکتی فعالیت می‌کنند برای این منظور می‌توان مواد آزمایشی را میان اعضای گروه تقسیم کرد و از هر یک از آنان خواست تا مطالب سهم خود را بیاموزد و آن را به دیگران آموزش دهد.

### 2-15-4 معلم به عنوان هدایت کننده و منبع اطلاعات

نقش معلم در روش مشارکتی باید عمدتاً به صورت هدایت کننده باشد همچنین زمانی که گروه نیاز به اطلاعاتی دارد که نمی‌تواند آن را به دست آورد معلم می‌تواند آن را در اختیار گروه قرار دهد.

### 2-15-5 مسئولیت فردی

برای جلوگیری از وضعیتی که در آن بعضی اعضای گروه بیشترین مقدار کار را انجام می‌دهند و بعضیها از زیر بار شانه خالی می‌کنند معلم باید مواظب باشد که همه اعضای گروه مسئولیت انجام بخشی از کار را بپذیرند. برای این منظور معلم می‌تواند از تک تک اعضا بخواهد تا به سوالهای شفاهی یا کتبی او که درباره فعالیتهای گروه طرح شده‌اند پاسخ دهند (گرادی، 2011).

## 2-15-6 پاداش دادن به توفیق گروهی

پس از آنکه گروه به هدفش دست یافت و به موفقیت رسید ، همه اعضای گروه باید به پاس این موفقیت پاداش دریافت کنند به عنوان مثال وقتی که در امتحان مربوط به کارگروهی همه اعضاء موفق میشوند تک تک آنان مستحق دریافت پاداش خواهند بود.

## 2-15-7 ارزشیابی از خود

پس از آنکه فعالیتهای گروهی به پایان رسید و هدفهای پیش بینی شده تحقق یافتند گروه به تحلیل عملکرد خود می پردازد و نقاط قوت و ضعف کار را مشخص می کند و به ارزیابی از فعالیتهای انجام شده اقدام می نماید در صورت لزوم این کار به کمک معلم صورت می پذیرد ( سیف ، 1380).

## 2-18 یادگیری مشارکتی از دیدگاه مکاتب مختلف

روش یادگیری مشارکتی هم پشتوانه های محکم نظری دارد وهم از حمایت های دقیق تجربی برخوردار است از لحاظ نظری این روش هم مورد حمایت رفتارگرایان است و هم دیگر صاحب نظران یادگیری. از دیدگاه رفتارگرایان تقویت گروه برای کسب موفقیت از موارد عمده از روش تقویت در آموزش و یادگیری است. از لحاظ نظریه شناختی - اجتماعی بندد را، وقتی شرایطی فراهم می آید که دانش آموزان درست انجام دادن کاری را در دوستانشان مشاهده می کنند خود نیز انجام آن کار را می آموزند وزمانی که موفقیت خودشان یا دوستانشان تقویت می شود اشتیاق بیشتری برای انجام آن کار پیدا می کنند ( عنایتی نوین فر،سراجی،1399).

از دیدگاه ویگوتسکی نیز میتوان استدلال کرد که دانش آموزانی که به تنهایی از عهدهی انجام کاری بر نمی آیند وقتی که از کمک معلم ودوستان بهره مند می گردند چگونگی انجام آن کار را یاد می گیرند.

از لحاظ تجربی اسلاوین ( 1991) گفته است که پژوهشهای انجام شده دربارهی روش یادگیری مشارکتی نشان داده اند که این روش در بالا بردن سطح پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در موضوعهای مختلف و در سطوح مختلف تحصیلی مفید است به شرط آنکه گروهها بر پایه یادگیری اعضاء تقویت بشوند. اسلاوین همچنین به شواهدی اشاره کرده است که نشان می دهند روش یادگیری مشارکتی روابط میان دانش آموزان نژادهای مختلف را در کلاسهای مختلف بهبود می بخشد همچنین این روش موجب بالا رفتن سطح عزت نفس و سایر ویژگیهای عاطفی مثبت در دانش آموزان می شود( سیف ، 1380).

## 2-19 فرضهای ناظر بر گروههای یادگیری مشارکتی

- 1- انگیزش ناشی از همکوشی بوجود آمده در محیطهای مبتنی بر همیاری برای رفتار، بیش از محیطهای مبتنی بر رقابت و فرد گرایی است تاثیر گروههای منسجم اجتماعی بیش از مجموع اجزای آن میباشد. احساس یکپارچگی توان مثبتی را ایجاد می کند.
- 2- اعضای گروهها از یکدیگر می آموزند و هر فراگیری از دستهای یاریگر بیشتری نسبت به ساختاری که ایجاد انزوا کند برخوردار است.
- 3- تعامل با یکدیگر در مقایسه با روش مطالعهی جدا از دیگران به افزایش شناخت ناشی از ترکیبات بیشتر ذهنی و خلق فعالیت بیشتر عقلی منجر شده که آن خود سبب افزایش یادگیری می شود.
- 4- همیاری به افزایش احساسات مثبت نسبت به یکدیگر، کاهش جدایی و تنهایی ایجاد روابط و نگرشهای مثبت نسبت به افراد دیگر میشود.
- 5- همیاری منجر به تقویت عزت نفس از طریق افزایش یادگیری و احساس شخص از اینکه مورد احترام و توجه افراد دیگر در محیط قرار گرفته منجر می شود.
- 6- دانش آموزان توان خود را برای کار ثمر بخش با یکدیگر را افزایش داده و با آن می توانند به تجربه مورد نیاز در تکالیفی که با همیاری انجام می شوند پاسخگو باشند. به عبارتی دیگر دانش آموزان با افزایش فرصت بیشتر برای انجام کار با یکدیگر آن کار را بهتر انجام می دهند و از مهارتهای کلی و اجتماعی بیشتری برخوردار می شوند.
- 7- دانش آموزان از جمله کودکان دبستانی، می توانند یاد بگیرند از طریق مهارت آموزی در کار جمعی توان خود را برای کار با یکدیگر افزایش دهند (بهرنگی، 1382).

#### نتیجه گیری

یادگیری مشارکتی به طور گسترده، در تمام سطوح آموزشی از پیش دبستانی گرفته تا سطوح دانشگاهی در یادگیری ریاضیات، خواندن، زبان، علوم تجربی و مطالعات اجتماعی به کار گرفته شده است. بر مبنای تحقیقات دانش آموزانی که با الگوی مشارکتی تکالیف گروهی را انجام م ی دهند، در آزمونها نمره بهتری کسب می کنند. اعتماد به نفس بیشتری دارند، از مهارتهای اجتماعی مثبت و قوی تری برخوردارند و در درک و تسلط بر مهارتهای گروهی توانایی بیشتری دارند.

در یادگیری مشارکتی تعامل زمانی روی می دهد که یادگیرندگان منابع و دانش خود را برای هم به اشتراک گذارند، تالاشهای یکدیگر برای یادگیری قدردانی نمایند. یادگیرندگان مشارکتی هم از حمایت نظام تحصیلی برخوردارند و هم از حمایتهای فردی. فعالیتهای شناختی مهم و پویای بین فردی وجود دارند که تنها در زمانی که یادگیرندگان در سدد ارتقاء یادگیری یکدیگرند روی می دهد. این موارد شامل توضیح شفاهی، چگونگی حل یک مساله

بحث درباره ی ماهیت موضوع یادگیری، تدریس یک دانش به همکلاسی ها و ارتباط بین یادگیری، تدریس یک دانش به همکلاسی ها و ارتباط برقرار کردن بین یادگیریهای حاضر با یادگیریهای گذشته می باشد.

بر اساس یادگیری مشارکتی ، مشارکت هنگامی اتفاق می افتد که افراد ، اشیا و وقایع به گونه ای متقابل یکدیگر را تحت تاثیر قرار می دهد. یادگیری مشارکتی استفاده نظام مند از گروههای کوچک می باشد که در آن افراد برای پیشینه کردن یادگیری خود و دیگران ، با یکدیگر کار می کنند.

به باور کارشناسان ، فراگیرانی که به روش یادگیری مشارکتی به یادگیری می پردازند ، نه تنها مطالب را بهتر می آموزند بلکه از فعالیت یادگیری لذت بیشتری می برند. دلیل این امر نیز آن می باشد که در فرایند یادگیری مشارکت فعالی دارند. به همین دلیل باید به جایگاه این یادگیری در تعلیم و تربیت توجه خاصی داشت.

## منابع

خاکباز، عظیمه سادات (1396) چالش های به کارگیری یادگیری مشارکتی در تدریس دانشگاهی. تدریس پژوهی، 5(2)، 35-50.

رحیمی، فاطمه، قاسمی، فاطمه، رهگذر، حسن. (1401) مقایسه تأثیر یادگیری مشارکتی و شیوه سنتی یادگیری (سخنرانی) بر مهارت های ارتباطی دانشجویان مقطع پایه رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال 1398. فصلنامه توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، 13(1)، 109-118.

عبدی، زهرا و عبدالهی، داود (1399) نقش یادگیری مشارکتی در بهبود مهارت های یادگیرنده، سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و علوم انسانی.

عنایتی نوین فر، علی، سراجی، فرهاد. (1399). الگوی برنامه درسی دانشگاه های مجازی علوم دینی بر مبنای یادگیری مشارکتی: مطالعه دانشگاه های مجازی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی و امام خمینی (ره). فصلنامه علمی تربیت اسلامی، 15(34)، 31-48

فلاحی مریم، خلیفه قدرت الله، قاسمی سامنی متین (1396) یادگیری مشارکتی در محیط های یادگیری الکترونیکی. دو فصلنامه مطالعات آموزشی نما آجا ۹ ( ) : ۳۹-۳۱.

قلی زاده، محسن ، علی پور، رضا و جمالیان زاده، سید برزو (1400) یادگیری مشارکتی در آموزش مطالعات اجتماعی، سومین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان.

مهدوی نسب، یوسف، علی آبادی، خدیجه (1393) بررسی تأثیر وبلاگ بر یادگیری مشارکتی دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. فصلنامه روان شناسی تربیتی، 10(31)، 191-209.

Castle Jr., T.D. (2014). The impact of cooperative learning on the development of need for cognition among first-year college students. PhD thesis, University of Iowa.

Grady, S. E. (2011). Team-based learning in pharmacotherapeutics. American Journal of Pharmaceutical Education, 75(7), 136.

Herrmann, K.J. (2013). The impact of cooperative learning on student engagement: Results from an intervention. Active Learning in Higher Education, 14(3):175-187.

Slavin, R.E. (2009). Cooperative learning student team(2) Washington, d.c: national education association.

Sweet, M., Svinicki, M. (2007). Why a special issue on collaborative learning in postsecondary and professional settings? Educational Psychology Review, 19: 13-14.